



The Function of the Lexical Layer in Expressing the Ideology Governing the Alawite Praises of Abdullah al-Wa'il al-Ahsa'i

Peyman Salehi

Associate Professor of Arabic Language and Literature, Kllam University, p.salehi@Ilam.ac.ir
Parisa Amiri

M.A. of Arabic Language and Literature, Kermanshah Razi University

Mehran Masoomi

Ph.D. student of Arabic Language and Literature, Kermanshah Razi University

Received on: 21/06/2020

DOI: 10.30479/Im.2020.13574.3058

Accepted on: 08/11/2020

© Imam Khomeini International University. All rights reserved.

Abstract

As one of the achievements of modernity in culture, the novel has been a suitable literary expression tool for the inhabitants of different cultures to represent the events around them in an imaginary space with metaphorical language. Ibrahim Nasrallah (Palestinian author) won the 2018 Booker Prize for his novel: "Harb al-Kalb al-Taniyah" (The Second Dog war). This novel focuses on the human capacity for savagery. The novel's strange events are symbolic of the social changes that have taken place in recent centuries around the world and provided us with insight into humanity's future. The novel uses the science fiction genre or magical realism to narrate its plot. The storyline addresses the social anomalies and savagery of buying and selling human souls and destroying human and moral values in the Arab world and globally. In this paper, the novel is examined from the perspective of deconstructive critique using the descriptive-analytical method. Accordingly, after a preliminary presentation of the novel and constructivist theory, the novel's conflicts are identified and analyzed.

Keywords: "Harb al-Kalb al-Taniyah", Ibrahim Nasrallah, conflicts, deconstruction, Arabic Novel

کارکرد لایه واژگانی در بیان ایدئولوژی حاکم بر مدایح علوی عبدالله الوایل

احسائی*

پیمان صالحی، دانشیار، زبان و ادبیات عرب دانشگاه ایلام
پریسا امیری، کارشناس ارشد، زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی
مهران معصومی، دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی

چکیده

در سال‌های اخیر سبک‌شناسان متون ادبی با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای، موفق به تحلیل و تفسیر باریک‌بینانه و دقیق‌تری از این متون شده‌اند؛ لذا بررسی لایه‌های مختلف سبکی، نقشی مؤثر در کشف معانی و ایدئولوژی متون دارد. در میان لایه‌های چندگانه یک متن، لایه واژگانی بسان دیگر لایه‌ها می‌تواند در تعیین تفسیر و بازتاب سبک و به تبع آن، جهان‌بینی شاعر نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. پژوهش حاضر تلاش کرده است تا با دو رویکرد تحلیل زبانی - محتوایی و آماری به بررسی سبک‌شناسی لایه واژگانی و تحلیل ایدئولوژی حاکم بر مدایح علوی عبدالله الوایل احسائی، شاعر عربستانی بپردازد. واژگان این اشعار در چهار محور عینی و انتزاعی، رمزگان، عناصر اشاره‌گر زبانی و محور آرکائیسیم مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد، با عنایت به اینکه ایدئولوژی و سبک شاعر رابطه مستقیمی با هم دارند، با بررسی سبک واژگانی اشعار مدحی احسائی، شاهد تجلی دیدگاه‌های اعتقادی و دین‌محور از طریق واژه‌گزینی متناسب هستیم. از یک طرف، بسامد بالای واژگان انتزاعی بیانگر عقیده محور بودن اشعار احسائی است و از طرف دیگر، کاربرد چشمگیر رمزگان شریعت و عناصر اشاره‌گر که به عنوان دلایل عقلی و نقلی در دفاع از عقیده وی به کار رفته‌اند، متضمن تأکید بر نهادینه ساختن مضامین دینی و عقیدتی شاعر است.

کلمات کلیدی: عبدالله الوایل احسائی، مدایح علوی، سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه واژگانی، ایدئولوژی.

* - تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸

* - پست الکترونیکی نویسنده مسئول (ایمیل دانشگاهی درج گردد): p.salehi@Ilam.ac.ir

- شناسه دیجیتال (DOI): 10.30479/lm.2020.13574.3058

۱. مقدمه

شعر و ادبیات، آینه‌ای از ایدئولوژی شاعر و ادیب است که خواه ناخواه، تبیین‌گر جهان‌بینی اوست. اینجاست که رابطه سبک و ایدئولوژی نمایان می‌شود و ایدئولوژی هر ادیب را می‌توان تا حدودی در کیفیت سبک او بررسی نمود. «سبک عبارت است از استفاده از ترکیب معینی از عناصر صوری و معنایی زبانی که بسامدی نسبتاً بالا دارند. یکی از مباحث مهم در بررسی سبک، تأثیرات فکر یا دیدگاه و همچنین شخصیت روان‌شناختی آفرینش‌گر ادبی و تبلور افکار بر سبک اوست. این تأثیرات سبکی خود را به اشکال مختلف از جمله: گزینش واژه‌ها، گزینش ژانر، گزینش ساخت‌های نحوی با بسامد بالا، ابداع واژه‌ها، هنجارگریزی واژگانی، هنجارگریزی نحوی و همانند آن‌ها نشان می‌دهند.» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲۲۴) از دیگر سو زبان شعر، زبانی است که می‌تواند جهت انتقال ایدئولوژی و عقیده ادیب با بهره‌بردن از صناعات ادبی مختلف، معنا و مقصود مورد نظر را در کلامی خیالی‌انگیز با تصویرسازی‌های زیبا بیان کند، لذا قابلیت و توانمندی متون ادبی بستر مناسبی را برای ارائه ایدئولوژی ادیبان فراهم آورده است و بررسی سبکی آثار ادبی، به میزان قابل توجهی این امر را میسر می‌سازد، به گونه‌ای که «گاهی کشف و شناسایی سبک اثر، الگویی به دست می‌دهد که مانند یک منشور، بافت فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و جهان‌بینی صاحب آن اثر را بازتاب می‌دهد؛ بر این اساس، تحلیل عناصر زبانی یک اثر ادبی در راستای نقد و بررسی سبک و ایدئولوژی نویسنده آن، بسیار راهگشا و مؤثر است.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۳-۹۴)

در سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه واژگانی از مبانی کاربردی تحلیل و نقد ویژگی‌های سبکی یک اثر به حساب می‌آید و «بهترین موارد شناخته‌شده در مطالعاتی که درباره ایدئولوژی و زبان صورت می‌گیرد، تحلیل واژگان است.» (ون دایک، بی تا: ۹۳)؛ چرا که تحلیل آثار ادبی از این مجرا، راهی است جهت تفسیر عقاید و باورهای ارزشی که با بررسی ابعاد مختلف سطوح ادبیات و گفتار، محقق می‌شود.

پژوهش حاضر در پی کشف و دریافت نقش لایه واژگانی در القای ایدئولوژی و نگرش عبدالله الوایل احسانی، شاعر شیعه مذهب عربستانی، به بررسی سبک‌شناسانه لایه واژگانی مدایح علوی او پرداخته است. اشعاری که احسانی در مدح امام علی^(ع) سروده، در جلد اول دیوان وی منسوب به «الدرر الفاخرة في مدح و رثاء العتره الطاهرة» گردآوری شده است. وی در این دیوان سیزده قصیده را به مدح امیرالمومنین^(ع) اختصاص داده است. «گاهی بسامد برخی از لغات در آثار کسی توجه‌برانگیز است، از این رو در تعیین سبک شخصی، راهگشاست.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۴)؛ لذا پژوهش حاضر، آن دسته از واژگانی را که از بسامد بالاتری برخوردارند، مورد بررسی قرار داده است؛ از این رو، کیفیت و بسامد واژگان عینی و انتزاعی، استعمال واژگان به عنوان رمزگان، عناصر زبانی اشاره‌گر (اسم، صفت، زمان و مکان) و نیز استعمال واژگان آرکائیسیم (کهن‌گرایی) مورد واکاوی قرار گرفته است و در پایان، توانسته است پاسخگوی سؤالات زیر باشد:

- ۱- هدف اصلی احسانی از کاربرد واژگان انتزاعی و عینی در اشعار خود چه بوده است؟
- ۲- در این اشعار کدام عناصر زبانی، دارای بار ایدئولوژیک است؟
- ۳- باستان‌گرایی یا آرکائیسم چگونه و به چه منظوری در لایه‌های شعری احسانی جلوه‌گری کرده است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش‌های فراوانی درباره سبک‌شناسی لایه‌ای آثار ادبی انجام شده است، از جمله؛ مقاله «سبک‌شناسی لایه آوایی و واژگانی خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه» (۱۳۹۶)، از حسین یوسفی آملی و دیگران، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه. این مقاله به بررسی دو لایه آوایی و واژگانی به شیوه توصیفی-تحلیلی در خطبه مذکور پرداخته و به این نتیجه رسیده است که موسیقی و آهنگ ناشی از تکرار آواها و سجع و جناس موجود در لایه آوایی این خطبه، بر زیبایی محتوایی متن افزوده است و استفاده از واژه‌های مترادف و متضاد و تلفیقی از واژگان انتزاعی و عینی هم‌سو با مضامین خطبه و همچنین بسامد بالای جمع مکسر کثرت، از ویژگی‌های بارز در لایه واژگانی است. مقاله «کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسک وزیر» (۱۳۹۴)، در مجله متن‌شناسی ادب فارسی توسط دلبری و مهری، در راستای ارزیابی دیدگاه‌ها و باورهای ذهنی بیهقی انجام شده، لذا داستان حسک وزیر در سه لایه واژگانی، نحوی و بلاغی بررسی شده است. «لایه‌های آوایی و ایدئولوژی و تأثیر دلالتی آن‌ها بر صحیفه صادقیه» (۱۳۹۷)، عنوان پژوهش دیگری است که توسط محمدیان و دیگران به بررسی سبک‌شناسانه یکی از لایه‌های پنج‌گانه پرداخته است. در این تحقیق با توصیف و تحلیل زبانی محتوایی، جنبه موسیقایی و برجسته‌ترین ویژگی‌های آوایی صحیفه صادقیه واکاوی شده و حاصل آن بیانگر چیرگی ایدئولوژی و نگرش امام صادق(ع) بر جنبه‌های مختلف سبک ایشان به ویژه لایه آوایی و موسیقایی کلامشان در دعاهای صحیفه است. مهری و دیگران در پژوهش «کارکرد لایه ایدئولوژیک در برجسته‌سازی سبکی غزل اجتماعی معاصر» (۱۳۹۷)، به شیوه سبک‌شناسانه مبانی ایدئولوژیک شاعران غزل اجتماعی معاصر را در سه لایه واژگانی، نحوی و بلاغی بررسی کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که بیشترین بازتاب ایدئولوژی در این لایه‌ها به ترتیب مربوط به لایه‌های واژگانی و بلاغی است و لایه نحوی غزل اجتماعی معاصر در بازتاب ایدئولوژی‌ها، به نسبت، صراحت کم‌تری دارد. رساله «بررسی تطبیقی خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای» (۱۳۹۵) از نورالدین پروین، با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی و مقایسه ۱۵ خطبه و ۱۵ نامه نهج البلاغه از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای پرداخته و در قسمت بررسی لایه واژگانی، این نامه‌ها و خطبه‌ها را از نظر حسی و انتزاعی، صریح و ضمنی، نشان‌دار و بی‌نشان، رمزگان و واژگان محاوره‌ای و رسمی مورد

بررسی قرار داده است. حاصل آن که بسامد واژگان انتزاعی در خطبه‌ها بیشتر و واژگان عینی در نامه‌ها نسبت به خطبه‌ها از بسامد بالاتری برخوردارند.

در زمینه بررسی اشعار عبدالله الوایل احسائی تنها پژوهشی که یافت شد، مقاله‌ای با عنوان «الاتجاهات الاجتماعية في شعر عبدالله الوایل احسائی» (الهلال و السعدی، ۲۰۱۲: ۶۹-۱۰۴) است؛ همان‌طور که از عنوان این مقاله برمی‌آید، این پژوهش در راستای بررسی جامعه‌شناسانه و مشکلات و احوالات جامعه روزگار شاعر انجام شده است و به مباحثی مانند رثاء علماء و ادباء، شکایت از فقر، بیماری، تسلیت اصحاب و... پرداخته است و ارتباطی با سبک‌شناسی اشعار مدحی امیرالمومنین^(ع) در دیوان این شاعر ندارد. از مزایای پژوهش حاضر، بررسی و پردازش کاربردهای برجسته لایه واژگانی جهت شناخت زبان، اندیشه و ایدئولوژی احسائی در اشعار مدحی امام علی^(ع) و تعیین مشخصه‌های سبکی این شاعر است.

۲. بحث و بررسی

در سبک‌شناسی لایه‌ای متون ادبی، پژوهشگر به تحلیل و بررسی ویژگی‌های برجسته متن در پنج لایه «واژگانی، نحوی، آوایی، بلاغی و ایدئولوژیک» می‌پردازد و در نتیجه کیفیت سبک و شیوه صاحب اثر را مشخص می‌کند. «ایدئولوژی حاکم بر شخص نویسنده و جامعه او به عنوان یک عامل فرامتنی در نوشته وی نمود می‌یابد و ردپای این نگاه و جهان‌بینی را می‌توان در نظام حاکم بر ذهن و زبان شخص نویسنده ردیابی کرد و شناخت.» (دلبری و مهری، ۱۳۹۴: ۶۵)؛ بنابراین اثر هر ادیبی خواسته یا ناخواسته زبان گویای ایدئولوژی، عقاید و باورهای وی است. در پژوهش پیش‌رو، نگارندگان با تحلیل لایه واژگانی سعی در بررسی چگونگی کارکرد این لایه در آشکار نمودن نوع جهان‌بینی و ایدئولوژی شاعر دارند، از این رو، پس از معرفی شاعر، به تحلیل لایه واژگانی این اشعار از منظر عینی و انتزاعی بودن، رمزگان واژگانی، عناصر زبانی اشاره‌گر و نیز استعمال واژگان آرکائیسیم خواهیم پرداخت.

۲-۱- معرفی شاعر

شیخ عبدالله بن علی بن عبدالله الوایل احسائی شاعر، ادیب و عالم در قرن سیزده هجری قمری در شهر الهفوف مرکز استان الاحساء عربستان متولد شد. (معجم البلدان، ۱/۱۹۷۹: ۱۱) این شاعر علاوه بر شعر، به تحصیل در علوم دیگری مانند فقه، اصول، تفسیر و صرف و نحو نیز علاقمند بود. (احسائی، ۱/۱۹۹۷: ۱۱) آثار احسائی عبارتند از: الکشکول، کتاب السفینه یا زاد السفر، نهج الأزیه و دیوان شعری او موسوم به «الدرر الفاخرة في مدح و رثاء العترة الطاهرة» در سه جلد که مشتمل بر اغراض و موضوعاتی مختلف مانند مدح، رثاء، اخوانیات، غزل، موعظه و... است. محیط دینی و مذهبی و موهبت و علاقه فطری احسائی به

مبانی دینی و مذهبی موجب شده است این مقوله، ویژگی برجسته اشعار این شاعر را تشکیل دهد و تأثیرات عمیقی بر شعر او داشته باشد. (السعدی و الهلال، ۲۰۱۲: ۷۶) علاقه و ارادت احسائی نسبت به پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت مطهر ایشان، شاخصه اصلی دیوان عبدالله الوایل احسائی را تشکیل می‌دهد.

۲-۲- واژگان عینی و انتزاعی

کشف کیفیت و بسامد واژگان به کار رفته از منظر عینی یا انتزاعی بودن، یکی از ویژگی‌های زیربنایی سبک در تعیین عینی یا انتزاعی بودن محتوا است. «واژه‌هایی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی‌اند و واژه‌هایی که بر اشیاء واقعی و محسوس دلالت دارند، عینی و حسی‌اند. غلبه واژه‌های عینی (در برابر واژه‌های ذهنی) سبک متن را حسی می‌کند و کثرت واژه‌های ذهنی، موجب انتزاعی شدن سبک می‌شود.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۵۱) پس از بررسی واژه‌هایی که احسائی در اشعار مدحی امیرالمومنین^(ع) به کار برده است، مشخص شد واژگان انتزاعی نسبت به واژگان عینی، بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. جدول زیر حاصل این بررسی را نشان می‌دهد:

قوائد	بسامد واژگان		درصد	
	انتزاعی	عینی	انتزاعی	عینی
القصیده الثانية	۱۰۶۳	۳۰۰	۷۸٪	۲۲٪
القصیده الثالثة	۲۵۰۰	۷۹۲	۷۶٪	۲۴٪
القصیده الخامسة	۷۵۴	۱۴۸	۸۴٪	۱۶٪
القصیده السادسة	۲۰۴	۹۹	۶۷٪	۳۳٪
القصیده السابعة	۸۳۵	۳۲۱	۷۲٪	۲۸٪
القصیده التاسعة	۱۲۵۳	۳۶۶	۷۷٪	۲۳٪
القصیده العاشرة	۴۵۱	۱۲۳	۷۹٪	۲۱٪
القصیده الحادية عشرة	۳۲۶	۱۰۸	۷۵٪	۲۵٪
القصیده التاسعة والعشرون	۷۹	۱۸	۸۱٪	۱۶٪
القصیده الخامسة والثلاثون	۳۸۱	۱۱۷	۷۷٪	۲۳٪
القصیده السادسة والثلاثون	۷۲۲	۱۷۹	۸۰٪	۲۰٪
القصیده الثالثة والأربعون	۶۸۷	۲۱۹	۷۶٪	۲۴٪
القصیده الرابعة والأربعون	۳۴۰	۲۵۳	۵۷٪	۴۳٪
جمع	۹۵۹۵	۳۰۴۳	۷۶٪	۲۴٪

چنانکه می‌بینیم در قصاید مدحی که شاعر در وصف امام علی^(ع) سروده، واژگان ذهنی بیش از واژگان عینی مورد استفاده قرار گرفته‌است. به عنوان نمونه، در قصیده‌ی خامسه و الثلاثون، تعداد واژگان حسی ۱۱۷ واژه و تعداد واژگان عقلی بیش از سه برابر آن یعنی ۳۸۱ واژه است. ابیات زیر شواهدی از این قصیده و نمایانگر فزونی واژگان انتزاعی است:

ثُمَّ آتَاهُ بِالْوَلَايَةِ مَا قَدَّ	شُرِّفَتْ مِنْ جَلَالِهِ الْأَوْلِيَاءُ ^۱
شَرَفٌ بِإِذْخٍ وَفَضْلٍ مَنِيْفٍ	قَصْرَتْ عَنْهُ فِي الْعُلَى الْأَنْبِيَاءُ ^۲
مَا سَعَى الْمُصْطَفَى النَّبِيِّ	لِأَنَّ كَانَ لَهُ فِي الْجَلَالِ مِنْهُ إِخَاءُ ^۳
صَنَوَهُ فِي الْوُجُودِ ذَاتًا وَخَلَقًا	إِذْهُمَا فِيهِ فِي الْوُجُودِ سَوَاءُ ^۴
ذَا لَهُ مُطْلَقَ النَّبُوَّةِ فِي الْخَلْقِ	وَهَذَا لَهُ عَلَيْهَا الْوَلَاءُ ^۵
مُطْلَقٌ فِي الْوَلَاءِ يَفْعَلُ مَا شَاءَ	وَيُجْرَى بِمَا قَضَاهُ الْقَضَاءُ ^۶
صَاغَهُ اللَّهُ لِلْوَلَايَةِ قُطْبًا	فَعَلِيهِ تَدَوَّرُ مِنْهَا الرَّحَاءُ ^۷ (احسائی،

۱۹۹۷: ج ۱/ ۴۶۵)

احسائی ابتدا در ابیات آغازین این قصیده به توصیف بیابان و پدیده‌های طبیعی آن پرداخته، پس از تصویرسازی زیبا از طبیعت، به توصیف سرزمین کعبه محل طواف فرشتگان، ملائک مقرب، پیامبر^(ص) و امام علی^(ع) می‌پردازد و سپس به توصیف ذات پاک آن حضرت و جایگاه وی که همان جانشینی پیامبر^(ص) است، اشاره می‌کند. شاعر همچنین با اشاره به مضمون خطبه شقشقیه به جایگاه امام نسبت به خلافت که مانند جایگاه قطب (محور) نسبت به آسیاب است، اشاره می‌کند.

در غالب مدایح علوی احسائی، شاهد اشاره شاعر به مسأله ولایت هستیم و بسامد بالای واژگان عقلی در این زمینه، بیانگر نوع جهان‌بینی او؛ یعنی اعتقاد راسخ به امامت آن حضرت است و در تبیین چرایی استعمال واژگان ذهنی در شعر این شاعر، می‌توان به عقیده محکم و باور قلبی او به دین اسلام و امامت حضرت علی^(ع) و اهل بیت مکرّم ایشان اشاره کرد. معمولاً تعبیر از عقاید دینی به دلیل زمینه و ماهیتی که این‌گونه مباحث دارند، در وجه ذهنی واژگان، تجلی بیشتری دارد. واژه می‌تواند مانند یک موجود جاندار، حس حیات را به مخاطب منتقل کند. هر چند که این واژه، عقلی و دارای معنایی انتزاعی باشد. در ابیات بالا واژگان «ولایه، شرف، جلال، نبی، اخاء، الوجود، ذات، خُلق و...» به خوبی این احساس را به مخاطب القاء می‌کند؛ اما احسائی برای بیان عقاید خود علاوه بر واژگان ذهنی از واژگان حسی نیز کمک گرفته است. استعمال واژگان حسی در جای جای اشعار مدحی امام^(ع) مشهود است:

وَحُدْنَ بِكَفِّي وَاسْقِنِي مِنْ حَوْضِكُمْ
كَرَّمًا بِكَأْسٍ مِنْ يَدِيكَ دِهَاقٍ^۸

(همان: ۲۷۱)

بِیضٍ لَيْسَالِ لَمْ تَزَلْ تُبَيِّنِي

لِطَافِ أَنْسٍ طَيْرُهَا يَغَرُّدُ^۹

(همان: ۲۱)

وَحَيْبِرًا تَرَكْتَ لَيْثًا غَابَهَا

مُزْمَلًا بِالْذَمِّ مِنْهُ الْجَسَدُ^{۱۰}

(همان: ۲۲۲)

ثُمَّ سَهْمٌ لَهُ مُصِيبٌ

وَحُسَامٌ بِهِ اِنْتَصَرَ^{۱۱}

(همان: ۲۷۵)

احسائی با وجود اینکه به کمک واژگان عقلی بر حقانیت و شایستگی‌های امیرالمومنین^(ع) اشاره و تأکید دارد، از واژگان حسی نیز جهت ابراز حبّ قلبی خویش به آن حضرت مدد می‌جوید؛ چرا که این دست از واژگان از قابلیت بالایی در تعبیر زیبایی، محبت و عشق گوینده نسبت به موضوع مورد علاقه خود برخوردار هستند. احسائی در عقیده خود راسخ است و این اعتقاد را با گزینش واژگان عینی آراسته کرده و کلام خود را در یک سطح معنایی خشک و غیر قابل انعطاف قرار نداده است. با توجه به اینکه عقاید دینی و دیدگاه‌هایی که بر محور خرد و اندیشه استوار است، بیشتر با مفاهیم عقلی و انتزاعی تبیین می‌گردد، لذا احسائی نیز به اقتضای موضوع مورد نظر خود که همان ابراز عقیده در باب حقانیت امام^(ع) در مسأله امامت است، واژگان عقلی را بیشتر مورد استفاده قرار داده است. این شاعر با قرار دادن واژگان عقلی و حسی در کنار هم، توانسته واژگان انتزاعی را با تعابیر احساسی و قابل حس و لمس درآمیخته، به کلام خود شیوایی خاصی ببخشد. در خلال اشعار مدحی او، واژگان حسی قابل توجهی مشاهده می‌شود که در کنار واژگان عقلی، چهره متعادلی به سبک شعری او داده است و تنها با کلامی خشک و انتزاعی محض، باور و ایمان خود را مطرح نمی‌کند؛ بلکه با استفاده از واژگانی که مفاهیم عینی و در عین حال عاشقانه دارند، شعر خود را تزئین کرده، به این طریق تعادل را برقرار می‌کند؛ لذا با وجود آنکه استفاده از واژگان ذهنی در اشعار احسائی از بسامد بالاتری برخوردار است؛ اما این مداخل، شفافیت و تصویرسازی‌های زیبایی نیز دارند.

۲-۳. رمزگان شعر

نوع نگرش شاعر به صورت مشخصه‌های ساختارگرایانه و یا پس‌ساختارگرایانه بر شعر حاکم شده، بررسی و ترجمه این مشخصه‌ها، جهان‌بینی شاعر را تبیین می‌کند. «به این منظور، شعر ممکن است به عنوان ساخت مضمونی پیچیده‌ای که بیانگر نگرشی به جهان است، وحدت پیدا کند.» (کالر، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۳) رمزگان واژگانی در شمار مشخصه‌های صوری زبان شاعر و بیانگر دلالت‌هایی روشن است. استفاده گسترده و چشمگیر از واژگان متناسب با مفاهیمی که بار

ارزشی دارند، از شیوه‌های برجسته سبک احسائی است. برخی از این واژگان عبارتند از «آیات، احکام، حج، الصلاة، دین الحق، جنات النعیم، الاسلام، کفر، شرک، حلال، حرام و...»:

مَطَهَّرُ الْآيَاتِ نَأْمُوسُ الْهُدَى	عَيْبَةُ الْأَحْكَامِ وَالْبَيْتُ الْحَرَامِ ^{۱۲} (احسائی، ۱۹۹۷: ج ۱/۲۱۱)
وَمُكَسَّرُ الْأَصْنَامِ إِذْ سَجَدُوا لَهَا	وَرُوسَهُمْ ذَلًّا لَدَيْهِ مُطْرِقَةٌ ^{۱۳} (همان: ۴۴۷)
وَالْكَفْرُ وَالشِّرْكُ مِنْ بَعْدِ إِرْتِفَاعِهَا	يَجِدُ سَيْفَكَ صَارَا مُضْرَبُ الْمَثَلِ ^{۱۴} (همان: ۴۷۵)
مَيِّزَ اللَّهِ بِكَ الْخَلْقَ فَلَوْلَاكَ	لَمْ نَعْرِفْ حَلَالًا وَحَرَامًا ^{۱۵} (همان: ۲۱۰)

در اشعار احسائی واژه‌های مرتبط با دین و به ویژه مذهب تشیع از بسامد بالایی برخوردارند. چنان‌که پس از تعیین و شمارش این واژگان در میان سیزده قصیده، آمار آن به ۹۸۷ واژه می‌رسد. «فروید معتقد است: کاربرد بیش از اندازه پاره‌ای از واژه‌ها، حکایت‌گر درون است.» (به نقل از غیائی، ۱۳۶۸: ۳۹) تنوع واژگان دینی در شعر احسائی حکایت‌گر درونش بوده، از دیدگاه و باور عمیق وی در زمینه دین، به ویژه تاریخ دین حکایت دارد. از جمله: اشاره به پیامبرانی چون نوح، ابراهیم، موسی و عیسی (ع)، اشاره به آیین بت‌پرستی و معروف‌ترین بت‌های دوران جاهلی «اللَّاتُ وَالْعُزَّىٰ وَالْمُهَلَّبِ»، اشاره به شاخه‌های مذهب تسنن و... دلبستگی به اسلام، خاتم‌النبین، امام علی (ع) و ذریه مطهر ایشان است؛

نوح ابراهیم موسی وکذا	الروح عیسی احمدالرسول الکراما ^{۱۶} (احسائی، ۱۹۹۷: ج ۱/۲۰۴)
وعابد الله لم یشرک به احدا	بعابد اللآة والعزما مع الهبل ^{۱۷} (همان: ۴۷۰)
لشافعیهم حنیفیهم ومالکهم	وحنبلیهم وکل بالفجور ملی ^{۱۸} (همان: ۴۷۲)
حُب امیرالمؤمنین حیدره	خليفة للمؤمنین الخیرة ^{۱۹} (همان: ۵۱۷)

این شاعر در قصاید مدحی که برای امیرمؤمنان سروده، تنها به ذکر رمزگانی که بیانگر این نگرش است، بسنده نکرده است؛ بلکه در خلال این اشعار، به ذکر نام و اوصاف پیامبران پرداخته است و به واژگانی اشاره دارد که با وجود اینکه در شمار رمزگان نیستند، به شریعت، دین و مذهب اشاره دارند. این نوع واژگان را «واژگان اشاره‌گر» می‌نامند که در ادامه به این مبحث پرداخته خواهد شد.

۴-۲. عناصر اشاره‌گر

با تشریح شگردهای احسائی در گزینش و چینش رمزگان واژگانی تا حدودی توانستیم باورهای دینی، مذهبی و اعتقادی که سبک تفکر و گرایش دینی او را تشکیل می‌دهند، در آینه مدایحش آشکار کنیم. احسائی در این اشعار درصدد است تا با به کارگیری واژگان به عنوان عناصر زبانی اشاره‌گر و تکرار آن‌ها،

به نحوی مبلّغ آرمان‌ها و باورهای قلبی خود باشد. ذکر صریح نام امام علی (ع)، پیامبر (ص)، امامان معصوم (ع) و ذکر صفات والای آن‌ها و اشاره به زمان و مکان‌هایی که یادآور وقایع مهم دین اسلام است، همگی عناصر اشاره‌گر به کار رفته در شعر احسائی است؛ بنابراین اشاره‌گرهای شعر احسائی در باب مدح امام (ع) در چهار گروه «اسم، اوصاف، زمان و مکان» دسته‌بندی می‌شوند. در اینجا به برخی از ابیاتی که در آن‌ها صراحتاً نام مبارک امیرالمومنین (ع) و پیامبر (ص) ذکر شده، اشاره می‌شود:

المُكِنِّي (ابوتراب) واسمُه في العُلى عليّ^{۲۰}

(همان: ۲۷۴)

مَثَلُ الاوَّلِ خَلُّوا عَهْدَ حيدرٍ لَمَّا قَضَى خَيْرَ الوَرَى مُحَمَّدُ^{۲۱}

(همان: ۲۱۹)

ذاتٌ نورٍ تَلَألتُ فِبرَها ذا المُرتَضَى إذ زَكى لَه الإرتضاً^{۲۲}

ثُمَّ سَمَّاهُ ذوالجِلالِ عَلِيّاً لِعِلاهُ وِليسَ ثُم عِلاهُ^{۲۳}

(همان: ۴۶۵)

احسائی در غالب اشعار خود جهت اشاره به شخص امام، بیشتر به سه اسم «علی، حیدر و مرتضی» بسنده کرده؛ اما برای ابراز باورهای دینی و مقدّس خود، پاره‌ای از ویژگی‌ها و صفات امام (ع) را در ابیاتی وزین و آراسته بیان کرده است، از جمله: «نجیب، آیه الله، فاضل، کامل، ادیب، مالک التّفع والضّرر، لسان الله، الهادی»:

حيدرُ المُرتَضَى النّجيبُ ايةُ اللهِ في البَشَرِ^{۲۴}

(همان: ۲۷۴)

فَاضِلٌ كَامِلٌ اديبٌ مالِكُ النّفعِ والضّررِ^{۲۵}

(همان)

ولسانُ اللهِ والبابُ الذي مَن يَلِجُه قَط لا يَخشى اُثاماً^{۲۶}

(همان: ۲۰۸)

شاعر، شمار زیادی از واژگان اشاره‌گر دینی را جهت مدح امام (ع) به کار برده است. این رویکرد، تأکید و توجّه شاعر به جهان‌بینی دینی را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که در سیزده قصیده مدحیه امام علی (ع)، شمار واژگانی که بیانگر صفات نیک آن حضرت است، به بیش از ۵۰۰ واژه می‌رسد و بسامد تکرار اسم‌های آن حضرت به این شرح است؛ علی ۵۰ مرتبه، مرتضی ۲۱ مرتبه و حیدر ۱۶ مرتبه. در جدول زیر آمار حضور این واژگان در قصاید مدحی احسائی نشان داده شده است.

مکان	زمان	صفات	اسماء	قصائد
۳	۳	۶۰	۱۹	القصیده الثانية
۱۱	۹	۱۱۱	۱۱	القصیده الثالثة
۴	۱	۶۸	۵	القصیده الخامسة
۶	۴	۴۷	۶	القصیده السادسة
۸	۳	۹۱	۴	القصیده السابعة
۹	۱۱	۷۳	۱۲	القصیده التاسعة
۴	۱	۴۶	۶	القصیده العاشرة
۲	۴	۴۶	۵	القصیده الحادية عشرة
—	—	۵	—	القصیده التاسعة والعشرون
۳	۲	۳۶	۲	القصیده الخامسة والثلاثون
۱۲	۵	۲۷	۹	القصیده السادسة والثلاثون
۹	۶	۳۷	۸	القصیده الثالثة والأربعون
۶	۵	۳۳	—	القصیده الرابعة والأربعون
۷۶	۵۴	۶۸۵	۸۷	جمع
			۹۰۲	جمع کل واژگان اشاره گر

گسترده‌گی و پراکندگی اوصاف پسندیده‌ای که در وصف امام ذکر شده در جای جای مداخل چنان است که در هر قصیده، نمایی از اوصاف و شخصیت والای آن حضرت نمایش داده می‌شود و عقیده خواننده را با نظر شاعر هماهنگ می‌کند.

از آنجا که بحث ما بررسی جهان‌بینی احسائی در این مداخل است و ایدئولوژی این شاعر بر محور اثبات، نشر و گسترش عقاید دینی خویش بوده، لذا در معرفی آن حضرت، به ذکر اوصاف زینده امام^(ع) از جمله: علم، شخصیت و جایگاه و مقام والای امام^(ع) و سلحشوری‌های آن حضرت پرداخته است:

هَذَا عَلِيُّ الْمُرْتَضَى خَلِيفَتِي
عَلَيْكُمْ بَعْدِي فَنِعْمَ السَّيِّدُ^{۲۷}

فَهُوَ وَصِيِّي وَ سَفِيرِي وَأَبُو
سَيْطِي وَالْهَادِي الْأَمِينُ الْمُرْشِدُ^{۲۸}

(همان: ۲۲۰)

خَيْرُ الْوَصِيِّينَ بَابِ اللَّهِ حَيْدَرَةٌ
أَبُو الْهُدَاةِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ^{۲۹}

(همان: ۴۷۴)

فَانصِبِ الْهَادِيَّ عَلِيًّا عَلَمًا
لِلْبَرِيَاءِ فَهُوَ شَمْسٌ لِهَدَايَا^{۳۰}

(همان: ۱۸۳)

وَعَلَّقَتْ أَبْوَابُ الصَّلَالِ وَإِنِّهَا لَوْلَاكَ لَيْسَ لَهُنَّ مِنْ غَلَّاقٍ ٣١

(همان: ۲۶۷)

فَأَلْتَقَى فِي مَأْرَقِ الْحَرْبِ مِنْهَا مَرْحَبًا كَاللَّيْثِ يَحْمِي جِمَاهَا ٣٢

(همان: ۱۵۶)

«در تحلیل سبک‌شناسانه متن، اساس کار ما را فرم‌ها یا ساختارهایی تشکیل می‌دهند که برجسته‌تر از دیگران‌اند. حضور چنین عناصری در متن، احساسات و علاقه خواننده را برمی‌انگیزد.» (وردانک، ۱۳۹۳: ۲۵-۲۶)؛ البته نکته مهم این است که «مهم‌ترین ویژگی سبک‌شناسی ساختارگرا، تعیین تناسب-های سبک‌شناختی سازه‌هاست، نه تهیه فهرستی از مصالح موجود در متن.» (چراغی‌وش و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۵) در این مداخله، مسأله جان‌شینی و حق ولایت امام علی (ع) به وفور ذکر شده است. با توجه به این موضوع، در قصاید علوی احسانی، یازده مرتبه شرح واقعه غدیر خم تکرار شده است، لذا این میزان از تکرار، این واژه را به یکی دیگر از عناصر اشاره‌گر برجسته تبدیل کرده است. ترکیب واژگانی «غدیر خم»، واژه‌ای اشاره‌گر، مقید به زمان و اعتقادی است و حامل گرایش ایدئولوژیک شاعر است:

وَحَالَفُوا نَصَّ الْكِتَابِ وَالَّذِي أَنْزَلَهُ وَمَا حَكَاهُ أَحْمَدُ ٣٣

إِذ قَامَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ خَاطِبًا فِيهِمْ وَقَدْ صَمَّهْمُ مُحْتَشِدُ ٣٤

هَذَا وَلِلْكَرَارِ فِي يَمِينِهِ مَرْفُوعَةَ بَيْنِ الْبَرَايَا عَضِدُ ٣٥

(احسانی، ۱۹۹۷/۱: ۲۱۹)

إِتَّخِذَ الْإِلَهِ عَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ لَكَ بِالْوِلَايَةِ ثَابِتُ الْمِيثَاقِ ٣٦

فَيَوْمِ حُمِّ قَامٍ أَحْمَدُ آخِذًا لَكَ بَيْعَةَ كَالطُّوقِ فِي الْأَعْنَاقِ ٣٧

(همان: ۲۶۸)

وَلَهُ أَسْنَدَ النَّبِيِّ بِحُمِّمْ بَيْعَةَ أَرْغَمَتْ بِهَا الْأَعْدَاءُ ٣٨

(همان: ۴۶۷)

در کنار این مسأله، شاهد ذکر دیگر وقایع مهم تاریخ اسلام و حضور سرنوشت‌ساز امیرالمؤمنین (ع) در این وقایع هستیم. نمونه‌هایی که با اشاره به زمان و مکان این رخدادها در پی تبیین نقش مهم امام (ع) در یاریگری رسول خداست. واقعه «لیلة المبيت» از نمونه‌های ایثار و یاری آن حضرت است. شاعر در این باره می‌گوید: «خداوند متعال توسط امیرالمؤمنین، دین اسلام و هدایت را همچون خورشید عالم‌تاب به عالمیان نمایاند و بهترین بندگان را بر دشمنان پیروز کرد.»

أَظْهَرَ اللَّهُ بِهِ دِينَ الْهُدَى مَشْرِقًا كَالسَّمْسِ فِي رَأْدِ الصُّحَا ٣٩

و بِهِ خَيْرَ الْبَرَايَا اَسْعَدَا
وَالْتَقَىٰ عَنْهُ مَشَقَاتِ الْعَدَا
مِثْلَ لَيْلَةِ الشَّعْبِ لَمَّا صَدَمَا
فَادِيًا نَفْسَ اَخِيهِ كَرَمَا

وَلَهُ صَعْبُ الْفُتُوْحِ اِفْتَسَحَا^{۴۰}
يُوقَاةً ثَابِتٌ لَنْ يَبْرَحَا^{۴۱}
عَنْهُ فِيهِ كُلُّ جَبْتٍ مُعَبَس^{۴۲}
مِنْهُ بِالنَّفْسِ وَلَمْ يَتَّئِسْ^{۴۳} (همان: ۵۱۳)

در اینجا منظور از «لילה الشعب» همان «لילה المبيت» است. در این اشعار واژه‌هایی مانند «الكتاب، احمد، النبي، الله، دين الهدى، خير البرايا و...» واژگان غنی دینی اند که در کنار عناصر اشاره‌گر به زمان رخداد وقایع تاریخی دین اسلام، این وقایع را تصویرسازی می‌کنند. «در سبک-شناسی، واژه‌ای را که به یک نظام اعتقادی تعلق دارد و زنده، محرک و سرشار از بار احساسی و عاطفه ایدئولوژیک است، واژه غنی شده می‌نامند.» (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۱) نام مکان‌هایی مانند «خیبر، بیت الحرام، بیت الضراح و...» نیز گروهی دیگر از این واژگان غنی شده هستند که همانند عناصر اشاره‌گر زمان، عقیده احساسی را مبنی بر بیان جایگاه والای امام^(ع) تأیید می‌کنند. احسائی، سلحشوری حضرت علی^(ع) در نبرد خیبر و رضایت خدا و رسولش از آن حضرت را به زیبایی به تصویر کشیده است:

وَكَسَوْتُ الدِّينَ اَبْهَىٰ حُلَّةً
وَكَذَا فِي خَيْبِرٍ وَاقَعَةٌ
ذَاكَ يَوْمَ قَالَ فِيهِ اَحْمَدُ
ذُو الْعُلَىٰ يَهُوَاهُ حُبًّا وَاَنَا

وَأَمِيمَ الشِّرْكَ مَشْقُوقًا رَدَاهَا^{۴۴}
مُنِيَ الْاِسْلَامَ مِنْهَا بِعَنَاهَا^{۴۵}
سَوْفَ اَعْطِي رَايَةَ حَامِي حَمَاهَا^{۴۶}
اِرْتَضِيهِ اِذْ هُوَ اِنِّي وَالْاَلَهُ^{۴۷}

(احسائی، ۱۹۹۷: ج ۱/ ۱۷۶-۱۷۵)

۵-۲. واژگان آرکائیسیم

در یک اثر ادبی کثرت حضور و چینش نوع یا انواعی از واژگان متمایز، نسبت به دیگر واژگانی که به طور معمول مورد استفاده شاعران همان دوره قرار می‌گیرند، از وجوه برجسته سبک شاعر به حساب می‌آید. به عنوان نمونه، استعمال واژگان قدیمی و کهن در برجسته‌سازی ویژگی سبکی ادیب یا شاعر مؤثر است. «کلماتی که از اعصار کهن اقتباس می‌شوند، نوعی شکوه و جلال به سبک می‌بخشند و احیاناً خالی از حظ و لذت نیستند؛ زیرا از قدرت سالیان برخوردارند و بر اثر مدتی فترت، نوعی تازگی شکوهمند را احراز می‌کنند.» (دیچز، ۱۳۷۳: ۲۵۷) پژوهشگران و صاحب‌نظران عرصه ادبیات، این رویکرد را تحت عنوان «باستان‌گرایی» یا «آرکائیسیم» معرفی کرده‌اند. در دیوان احسائی «تأثیرپذیری شاعر از شاعران قدیمی عرب را می‌بینیم. وی در بسیاری از قصایدش نام آن‌ها را ذکر می‌کند، گویی احسائی برای دلالت بر قوت

شعر و زیبایی نظم‌ش، عهد بسته بین شعر خود و شعر آن شاعران، موازنه معنوی برقرار کند.» (السعدی و الهلال، ۲۰۱۲: ۷۳) رویکرد آرکائیسیم در متون ادبی به شیوه‌های متنوع امکان‌پذیر است. این رویکرد به سه شیوه در شعر احسانی به کار رفته است؛ یکی آنکه هیأتی متشکل از واژگان را به کار می‌برد که با وجود اینکه این واژگان هم در گذشته و هم در روزگار شاعر، زنده و پویا بوده‌اند، نحوه چینش آن‌ها و برقراری ارتباط معنایی میان این واژگان، صراحتاً نمونه‌های شعری ماندگار کهن را در ذهن خواننده زنده می‌کند. از این رو، نگاهی مختصر به اشعار احسانی در مدح امام علی^(ع)، ما را با ابیاتی مواجه می‌کند که پاره‌ای از مواد و مصالح اصلی واژگانی آن و نحوه چینش آن‌ها در کنار یکدیگر، رنگ و بوی ساختار ادبیات و اشعار کهن عرب را در خاطره‌ها زنده می‌کند. برخی از این ابیات عبارتند از:

عَجَبًا لِحَالٍ فَوْقَ جَمْرَةٍ خَدِهِ	لَمْ يَحْتَرِقْ مِنْ وَقْدِهَا الْحَرَّاقِ ^{۴۸}
وَعَقَارِبٌ دُبَّتْ عَلَى صُدْغِيهِ مُدَّ	لَسَعَتْ فُؤَادِي مَالَهَا مِنْ رَاقِي ^{۴۹} (احسانی،
	۱۹۹۷: ج ۱/ ۲۶۵)
نَاحِلَ الْكُشْحِ وَالْحَشَا	غَيْرَ أَنْ رِدْفَهُ تَقِيلُ ^{۵۰} (همان: ۲۷۳)

این شواهد، بیانگر زبانی کهن است که شعر احسانی را به ادبیاتی اصیل و تاریخی نزدیک کرده، به آن ارزش و جایگاه بخشیده است؛ چرا که «زبان کهن، شکوه و وقاری را تداعی می‌کند که پژواک ادبیات ماندگار و از دستاوردهای ادبیات والاست.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۵۴) قرار گرفتن واژگان «خال، جمرة، خد، یحترق، عقارب، صدغیه، کشح، حشا و ردف» در یک بافت ادبی از جمله ساختارهای کلامی کهن ادب عربی است که به وفور مورد استفاده قرار گرفته و تصاویر زیبایی را برای همیشه ماندگار کرده است. همچنین در یک متن یا اثر ادبی، اگر «واژگان و ساخت‌های نحوی کهنه زبان، جانشین واژگان و ساخت نحوی معمولی و روزمره شوند، از عوامل تشخیص زبانی محسوب می‌شود؛ لذا باستان‌گرایی را به این صورت می‌توان تعریف کرد؛ «ادامه حیات زبان گذشته در خلال زبان اکنون.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۴) این همان ویژگی است که در شعر احسانی به خوبی به چشم می‌خورد.

امروزه «بخشی از آنچه به نام باستان‌گرایی شهرت یافته، به احیا و تجدید کاربرد واژه‌ها، اعم از اسم، قید، فعل و... در زبان شعر امروز مربوط می‌شود. صرف کاربرد این واژه‌ها، نمی‌تواند به اثری، صورت آرکائیسیم دهد. نحوه پیوند و کنار هم قرار گرفتن آن‌ها، ارتباط معنایی و فرا ایستادن ساختار عبارت‌ها از سطح یک ساخت نحوی معمولی و گفتاری، در ارائه یک هیأت آرکائیسیمی، اعتبار و اهمیت ویژه‌ای دارد.» (علی‌پور، ۱۳۸۷: ۳۱۱) در نمونه بعدی نیز چینش و نحوه پیوند دسته‌ای از واژگان را در کنار هم می‌بینیم که یادآور سبک و شیوه گزینش واژگان در اشعار دوره جاهلی و صدر اسلام است، واژگانی چون: «رشأ، مهجة، باهر، ایناق، لحظ، ریم، فاتر و سلافة»:

أُؤْلَامٌ فِي رَشَائِهِ فِي مُهَجَّبِي

يُسَبِّحِي الْعُقُولَ بِلَحْظِ رِيمٍ فَاتِرٍ

مَرَعَى رَحِيبٍ بَاهِرُ الْإِيْتَاقِ^{۵۱}

وَبِمَنْطِقٍ يَحْكِي سَلَاةَ سَاقِي^{۵۲} (احسائی،

۱۹۹۷: ج ۱/ ۲۶۶)

شیوه دیگر احسائی در رویکرد کهن‌گرایی، استعمال تلفظ و شکل قدیمی واژه است. از جمله محاسن این شیوه، تداوم فرهنگی است، «وقتی خواننده عناصر زبانی گذشته را در سخن روزگار خود می‌شنود، احساس پیوند با ادوار پیشین در او برانگیخته می‌شود و انگیختن این احساس، منجر به تداوم فرهنگ و سنت می‌گردد.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۵۴) این رویکرد در شعر احسائی چنان است که او به جای واژگانی مانند «المضطر، الافتقار، الأسد، الغلیظ الصوت، الطريق الواسع البین» از واژگان کهنی چون «اللهیف، الاملاق، العفرنی، أجش و مهیج» استفاده می‌کند:

عَلَمًا بِأَنَّكَ خَيْرٌ مَن عَلَّقْتَ بِهِ

وَحَنِينًا وَقَدْ حَمَلَ

مِن كُلِّ نَجَاحِ الْعِهَادِ أَوْظَفَ

وَبَرَعْتَ لِلْإِسْلَامِ نَهْجًا مَهِيحًا

كَفَّ اللَّهَيْفِ بِطَاقِ الْإِمْلَاقِ^{۵۳} (احسائی، ۱۹۹۷: ج ۱/ ۲۷۰)

كَالْعَفْرَنِيِّ لَدَى الشَّرِيِّ^{۵۴} (همان: ۲۷۵)

أَجْشٍ خِفَاقِ التَّبْرُوقِ وَ مُرْعِدُ^{۵۵} (همان: ۲۱۹)

وَسَبَقَتْ فِيهِ أَسْبَقُ السُّبَاقِ^{۵۶} (همان: ۲۶۷)

شیوه سوم احسائی چنان است که او واژگان را به نحوی کنار هم می‌چیند که با وجود تکراری نبودن نحوه این چینش، رنگ و بو و خاطره سبکی از اشعار را در یاد و خاطره مخاطب زنده می‌کند که متعلق به گذشته است. به عنوان نمونه در شعر عصر جاهلی گاهی شاعران برای تعبیر از ارتباط دوستانه و یا عاشقانه، آن را بسان طنابی به تصویر می‌کشیدند که سالم ماندن و بریدن این طناب بیانگر تداوم ارتباط و قطع آن بود^{۵۷}. از سوی دیگر اشاره به اماکن تاریخی مانند «کاظمه» که در شعر مشهور و ماندگار بوصیری مشاهده می‌شود^{۵۸} و احسائی نیز به سبک و سیاق آن شعر، نام آن مکان را متذکر می‌شود، در طیف ساختار باستانی کلام شاعر است:

فَنَوْمٌ عَيْنِي حَصْرُمُوا وَحَبَلٌ وَ

وَيَا مُعَايِي السَّفْحِ مِنْ كَاظِمَةٍ

صَلِي صَرْمُوا وَ فِي جَفَايَ اجْتَهَدُوا^{۵۹} (همان: ۲۱۸)

سَقَاكَ مَحْلُولُ الْوَكَاءِ أَجُودُ^{۶۰} (همان: ۲۱۹)

احسائی بسان شاعران دوره‌های جاهلی و صدر اسلام، گاه اشعار خود را با تغزل و توصیف محبوب خویش به آهویی زیبا و یا با اشاره به مباحثی مانند پدیده‌های طبیعی مثل باران و ابر پربارش و نیز بیان غم دوری و فراق از محبوب خویش آغاز می‌کند؛ اما تفاوت بارز این اشعار در توجه و خطاب شاعر نسبت به محبوب وی - امام علی (ع) - است؛ چرا که شعر احسائی، چکامه‌ای پیرامون عشقی عرفانی است، «کلام ادبی باید برخاسته از روح و روان ادیب باشد. در بلاغت قدیم، ادیب و روحیاتش حضوری دائم و بارز در ذهن منتقدان دارد.» (صدقی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۷)؛ بنابراین کلام کهن در این اشعار بیانگر اوصاف

محبوبی زیبارو، نیکو سیرت، مهربان و بخشنده است که امید فقرا و نیازمندان بوده است و به گاه نبرد، بسان شیر ژبان حمله می‌برد و در گسترش اسلام نقشی منحصر بفرد داشته که شاعر در راستای ابراز این دیدگاه‌ها، به خوبی از عناصر کهن زبانی بهره برده است.

نتیجه‌گیری

ماهیت ایدئولوژی اشعار احسائی را مجموعه‌ای از باورها و عقاید تشکیل می‌دهند که این موضوع را ملاحظات واژگانی مدایح علوی او آشکار می‌کند. در این اشعار، تنوع و بسامد بالای واژگان انتزاعی نسبت به واژگان عینی، بیانگر عقیده محور بودن و تسلط ایدئولوژی بر محتوای این اشعار است.

احسائی با وجود بسامد چشمگیر واژگان انتزاعی نسبت به واژگان حسّی، توانسته است با استفاده از واژگان عینی که در عین حال مفاهیم عاشقانه‌ای نیز به مخاطب القا می‌کند، شعر خود را تزئین نماید؛ لذا این مدایح از شفافیت و تصویرسازی‌های زیبایی برخوردار است.

خلافت امام علی^(ع) از مهم‌ترین موضوعات شعر احسائی است که با دو دسته از دلایل عقلی و نقلی بیان می‌شود. این دلایل در پوشش واژگانی مطرح شده‌اند که در سبک‌شناسی لایه‌ای، تحت عنوان عناصر زبانی اشاره‌گر معرفی می‌شوند. این عناصر، دلایل عقلی این مهم را با تشریح واژگانی که بیشتر بیانگر اوصاف و ویژگی‌های ممتاز آن حضرت است، بیان می‌کنند و دلایل نقلی احسائی نیز با اشاره به وقایع مهم تاریخ اسلام و نقش تأثیرگذار امام علی^(ع) در آن رخدادها تشریح شده است.

از ویژگی‌های قابل توجه شعر احسائی، والایی و ارزش یک ادبیات اصیل و تاریخی است که تداعی‌گر شکوه و وقار ادبیات کهن عرب است. این ویژگی سبک احسائی، از آگاهی و اطلاع گسترده‌ی وی از ادبیات و اشعار قدیمی عرب حکایت دارد که زمینه ظهور هنجارگریزی واژگانی و گرایش به سبک ادبی و واژگانی ادبیات کهن را فراهم آورده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سپس مقام ولایت به او داد همان مقام والایی که اولیا به آن مشرف می‌شوند.
۲. شأنی عظیم و فضیلتی والا که حتی انبیاء از آن بهره‌مند نیستند و به این عظمت و والایی نمی‌رسند.
۳. به جز رسول اکرم^(ص) چرا که در جلال و بزرگی برای او همچون برادر است.
۴. او (حضرت علی) از نظر ذاتی و خلقی (مانند پیامبر) است، لذا آن دو در اصل وجود با هم برابرند.
۵. مقام نبوت در میان مردم مخصوص آن یکی (پیامبر «ص») و مقام ولایت برای این یکی (امام علی «ع») است.
۶. امام که مقام ولایت به صورت مطلق برای ایشان است، هر آنچه را بخواهد انجام می‌دهد و هر چیزی را که دستور بدهد، قضا و قدر، آن را اجرا می‌کنند.

۷. خداوند او را برای مقام خلافت همچون قطب و محور آسیاب خلق کرده پس همچنان که آسیاب به دور محور خود می-چرخد، مقام خلافت و امور مردم هم به دور او می-چرخد.
۸. دستم را بگیر و از روی کرم با دست خویش، مرا با جامی از شراب مست‌کننده از حوض خود سیراب کن.
۹. شب‌های روشن هرگز به من نمی‌رسد خوبی‌های انسان‌هایی که پرندگانشان آوازخوان هستند.
۱۰. و خبیری که همچون جنگل بوده و امام علی(ع) بسان شیر ژبان با پیکر آغشته به خون (دشمنان) آن را ترک کرد.
۱۱. تیر او به خطا نمی‌رود و شمشیری دارد که به وسیله آن پیروز گردید.
۱۲. علی(ع)، آشکارکننده آیات و رازدار شریعت، (مدافع شریعت) مخزن احکام و خانه دستان است.
۱۳. و در هم کوبنده بت‌ها هنگامی که برای آن‌ها سجده می‌کردند و سرهای آنها در مقابل او ذلیل و خوار بود.
۱۴. شمشیر برنده تو با کفر و شرک بعد از اوج‌گیری آن‌ها چنان کرد که ضرب‌المثل شد.
۱۵. خداوند به وسیله تو مردم را از هم جدا کرد (طرفدار حق و طرفدار باطل) معرفی کرد و اگر تو نبودی هرگز حلال و حرام را نمی‌شناختیم.
۱۶. نوح، ابراهیم، موسی و همچنین روح خدا (عیسی) و احمد پیامبران گرامی.
۱۷. و عبادت‌کننده خداوندی که برای او شریکانی مانند لات و عزا و هبل قرار نداد.
۱۸. برای شافعی و حنفی و مالکی که همگی مملو از گناه هستند.
۱۹. حب و محبت حیدر امیرالمومنین^(ع) که بهترین خلیفه برای مومنان است.
۲۰. کسی که ملقب به ابوتراب است و نام او در آسمان‌ها علی است.
۲۱. حیدر را در گرفتن عهد در جایگاه اول قرار دهید هنگامی که بهترین مردم (محمد) رحلت نمودند.
۲۲. نوری از خداوند متعال درخشید و آن نور، مرتضی را پاک و پاکیزه نمود چرا که پروردگار از او راضی بود.
۲۳. سپس صاحب جلالت او را علی نام نهاد به خاطر بلندی مرتبه‌اش و کسی والا تر از او نیست.
۲۴. حیدر مرتضای پاک و نجیب، نشانه خداوند در میان مردم است.
۲۵. فاضل و کامل و ادیب است صاحب سود و زیان است.
۲۶. و زبان گویای خداوند و دروازه‌ای است که هر کس آن را بگوید هیچ گاه از گناهی نترسد.
۲۷. این علی مرتضی است که بعد از من بر شما خلیفه است و چه خوب سروری است.
۲۸. پس او جانشین من و سفیر من و پدر دو نوه من و هدایت‌کننده و امین و رهبر است.
۲۹. حیدر بهترین جانشینان و همچون دروازه خداوند است پدر هدایت‌شدگان و امیرمؤمنان علی است.
۳۰. پس علی^(ع) هدایت‌کننده را به عنوان علمی برای مردم قرار بده، زیرا او مانند خورشید، هدایت‌کننده است.
۳۱. درهای تاریکی بسته شد و اگر تو (علی^(ع)) نبودی کسی نمی‌توانست این درها را ببندد.
۳۲. در کارزار نبرد با مرحب (پهلوان خبیر)، روبه‌رو شد و او مانند شیر از یاران خویش، حمایت می‌کرد.
۳۳. با قرآن و با کسی که قرآن را نازل کرد و با آنچه که محمد برای آن‌ها بیان فرمود، مخالفت کردند.
۳۴. هنگامی که در روز غدیر برای بیان خطبه در میان آن‌ها ایستاد، در حالی که همه آن‌ها را گرد هم آورد.
۳۵. و ساعد حضرت علی را در میان مردم بالا برده بود.
۳۶. خداوند ولایت تو را بر همه بندگان واجب ساخت و با آنان عهد و میثاق بست.
۳۷. در روز خم، محمد^(ص) قیام کرد و برای تو از مردم بیعت گرفت همانند گردن‌بند در گردن‌ها این عهد را بر گردن مردم نهاد.
۳۸. و در روز خم، پیامبر برای شما بیعتی گرفت که با آن بینی دشمنان به خاک مالیده شد.
۳۹. خداوند به وسیله او دین هدایت را که همچون خورشید درخشان بود ظاهر و آشکار ساخت.

۴۰. و به وسیله او بهترین مردم خوشبخت شوند و سخت‌ترین فتوحات برای او فتح شدند. (کارهای سخت برای او آسان شدند).

۴۱. سختی‌های دشمن را دید او استوار و ثابت است و هرگز جا خالی نمی‌کند.
۴۲. مانند شب شعب، هنگامی که با طاغوتیان عبوس برخورد کرد و از او صدمه دیدند.
۴۳. جان خود را فدای برادرش کرد، با کمال میل و بخشش و هرگز شک نکرد.
۴۴. و گرانترین و زیباترین لباس را بر تن دین پوشاندی و پیراهن امت شرک پاره است.
۴۵. و همچنین در واقعه خیبر، اسلام را با تمام مشکلات و سختی‌ها حفظ نمود.
۴۶. در آن روز پیامبر فرمود فردا پرچم را به دست حمایت‌کننده اصلی آن خواهم داد.
۴۷. خداوند او را دوست دارد و من از او راضی هستم چرا که او مانند من است.
۴۸. عجیب است از خالی که بر روی رخسار گلگونش است که از آتش سوزانش آتش نمی‌گیرد.
۴۹. و کژدم‌هایی که بر دو گونه‌اش در حرکتند جگرم را نیش زده و هیچ درمانی ندارد.
۵۰. لاغر و کمر باریک و خوش‌اندام و دو پهلویش سنگین است.
۵۱. آیا برای زیبارویی که همچون بچه آهو است و در قلبم برای او چراگاهی (جولانگاهی) بسیار وسیع وجود دارد، ملامت می‌شوم.
۵۲. عقل‌ها را با نگاه کردنی مانند نگاه کردن آهو و با منطقی همچون شراب ساقی، تباه می‌کند.
۵۳. با علم به اینکه تو بهترین کسی هستی که دست نیازمندان به او آویزان است.
۵۴. و مهربان‌تر از آهوان در حالی که حمل شده باشند برای فروش.
۵۵. و پربارتر از باران تند تمام دوران هستی و صدای تو درشت و بسیار پر رعد و برق است.
۵۶. و برای اسلام راه درست ایجاد کردی و در آن بر همه سبقت گرفتی.
۵۷. و احب المجامل بالجلیل و صرمه باقی، إذا ظلعت وزاعَ قَواُمُها (فاضلی، ۱۳۹۰: ۵۰)
- قفی نسالک: هل احدث صرمًا لوشک البن أم خنت الأمینا (همان: ۵۹)
۵۸. أم هبت الريح من تلقاء كاظمه وأومض البرق في الظلماء من إضم (بوصیری، ۲۰۰۷: ۲۲۷)
۵۹. خواب دیدگانم را حرام کردند و ریسمان وصلم را بریدند و در ظلم به من تلاش فراوان کردند.
۶۰. ای مرغزارهای حاشیه کاظمه باران پر خیر و برکت بر تو باد.

منابع

منابع عربی

- احسانی، عبدالله الوایل. (۱۹۹۷م). دیوان الوایل المسمی بالدرر الفاخره فی مدح و رثاء العترة الطاهرة؛ ج ۱، تحقیق و تعلیق جعفر الهاللی، ط ۱ مؤسسه ام القرى للتحقیق و النشر، مکتبه جنان الغدیر.
- البوصیری، محمد بن سعید. (۲۰۰۷ م). دیوان البوصیری؛ بیروت: دارالمعرفة.
- الحموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۹۷۹). معجم البلدان، ط: ۱، لبنان: دار احیاء التراث العربی.

- السعدي، محمد عبد الرسول جاسم و خليل الهلال عبد السادة إبراهيم. (۲۰۱۲). الاتجاهات الاجتماعية في شعرعبدالله الوايل احسانى؛ مجلة اللغة العربية وآدابها. ع. ۱۴، ص ص. ۶۹-۱۰۴.
- الشايب، احمد. (۲۰۰۶م). الاسلوب دراسة بلاغية تحليلية لاصول الاساليب الادبية؛ القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- فاضلى، محمد. (ش ۱۳۹۰). مختارات من روائع الادب الجاهلى (فى العصر الجاهلى)؛ چاپ چهارم، تهران: سمت.

منابع فارسی

- چراغی‌وش، حسین و دیگران. (۱۳۹۲). «سبک‌شناسی مناجات التائبین امام سجاده (ع)، بر مبنای رویکرد ساختارگرایی»، فصلنامه لسان مبین، سال چهارم، شماره یازدهم، صص ۸۲-۱۰۱.
- دلبری، حسن و فریبا مهری. (۱۳۹۴). «کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسنک وزیر»؛ متن‌شناسی ادب فارسی، شماره ۲، صص ۶۳-۷۸.
- دیچز، دیوید. (۱۳۷۳ش). شیوه‌های نقد ادبی؛ ترجمه محمد تقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی، چاپ چهارم، تهران: علمی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۶ش). موسیقی شعر؛ چاپ پنجم، تهران: نشر آگه.
- صدقی، حامد و دیگران. (۱۳۹۱)، «رابطه علم معانی با سبک‌شناسی»، فصلنامه لسان مبین، سال سوم، شماره هشتم، صص ۱۵۹-۱۷۷.
- علی‌پور، مصطفی. (۱۳۸۷ش). ساختار زبان شعر امروز (پژوهشی در واژگان ساخت زبان شعر معاصر)؛ چاپ سوم، تهران: فردوس.
- غیائی، محمدتقی. (۱۳۶۸ش). درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری؛ چاپ اول، تهران: شعله اندیشه.
- کالر، جان‌اتان. (۱۳۹۰ش). در جستجوی نشانه‌ها (نشانه‌شناسی، ادبیات، و اسازی)، ترجمه لیلیا صادقی و تینا امراللهی، چاپ دوم، تهران: علم.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰ش). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها؛ تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۷ش). «مقایسه سه صدا، سه رنگ، سه سبک در شعر قیصر امین‌پور»؛ فصلنامه ادب پژوهی، شماره ۵، صص ۹-۳۰.
- قاسمی، ضیاء. (۱۳۹۳ش). سبک ادبی از دیدگاه زبان‌شناسی؛ چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- وردانک، پیتر. (۱۳۹۳ش). مبانی سبک‌شناسی؛ ترجمه محمد غفاری، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

- ون دایک، تئون ای (بی تا). «نظرات و ایدئولوژی‌ها در مطبوعات»، ترجمه زهرا حداد و کوثر شهنی، سال هجدهم، شماره ۴، صص ۸۵-۱۱۸.

أسلوب طبقات المفردات في بيان ايدئولوجيا مدائح عبدالله الاحساني العلوية

ييمان صالحى، أستاذ مشارك بقسم اللغة العربية وآدابها جامعة إيلام
پريسا اميرى، خريجة ماجستير، اللغة العربية وآدابها جامعة الرازي كرامانشاه
مهران معصومى، طالب دكتوراه في اللغة العربية وآدابها جامعة الرازي كرامانشاه

الملخص

قد وصل الشكليون إلى تحليل وتفسير دقيق من النصوص الأدبية، عبر أساليب كشف المعاني الباطنة للمفردات، في السنوات الأخيرة. فهناك تتجلى أهمية دراسة معرفة طبقات المفردات المختلفة، في اكتشاف؛ ايدئولوجيا النصوص الأدبية ومعانيها في محلها. فمن بين الطبقات المختلفة للنص، طبقة المفردات أكثر استعمالاً في تفسير وتأويل أسلوب الشاعر ومعرفته للعالم. إذ تسعى الدراسة الحاضرة، عن طريقي التحليل اللسانيّة- المضمونيّة والاحصائيّة إلى دراسة أسلوب طبقات المفردات وتحليل ايدئولوجيا مدائح عبدالله الاحساني العلوية الشاعر السعودي المعاصر. نظراً لارتباط وثيق بين الأيدئولوجيا والأسلوب لدى الشاعر، فتشير نتائج دراسة أسلوب مفردات مدائح الاحساني إلى تجلّي أفكاره وعقائده الدينية عبر استخدام المفردات المناسبة في أشعاره، إذ تتمحور تلك المفردات في أربعة محاور وهي: الحسيّة والانتزاعيّة والرمزيّة وعناصر الإيماء اللسانيّة (أركائيسم)، التي دُرست وتُقَدت. فمن جهة تصاعد عدد المفردات الانتزاعيّة قد أثبت المحور ايدئولوجي للشاعر، ومن جهة أخرى أُستعملت رموز الشريعة المبهرة للبصر وعناصر الإيماء والإشارة كأدلة عقلية وروائيّة في الدفاع عن العقيدة، فتتضمن - تلك المفردات - التأكيد على جعل عناصر الدين والعقيدة، حجر البناء لشعره.

كلمات مفتاحية: الشعر العربي المعاصر، عبدالله الوايل الاحساني، ايدئولوجيا المدائح، الأسلوب، طبقات المفردات.